

تبیین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در جهت استقرار ساختار فدرالی ایران

فرهاد مهرگان،* محمدرضا حاتمی** و احمد شوهانی***

| | | | |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------|
| نوع مقاله: پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۰۳ | شماره صفحه: ۳۹-۷۴ |
|-------------------|--------------------------|-------------------------|-------------------|

پژوهش حاضر با رویکردی آینده‌پژوهی، به منظور شناسایی مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و نقش آن در استقرار ساختار فدرالی ایران انجام شده است. این مطالعه از نظر هدف، بنیادی؛ از نظر ماهیت و روش، توصیفی (پیمایشی) و از نظر روابط بین متغیرها از مطالعات همبستگی است. ابزار گردآوری داده‌ها شامل دو پرسشنامه محقق ساخته است که با طیف پنج ارزشی طراحی شده و روایی و پایایی آنها با نظر تخصصی خبرگان و آزمون‌های مختلف اندازه‌گیری شد. جامعه آماری تحقیق را محققان و پژوهشگرانی شامل می‌شود که طی ۱۰ سال گذشته درباره متغیرهای فوق مطالعه و نتایج را در فصلنامه‌های معتبر منتشر کرده‌اند. تعداد نمونه آماری براساس فرمول کوکران ۷۳ نفر برآورد شد که به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. جهت و آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون‌های همبستگی، تحلیل مسیر و رگرسیون استفاده شد که به ترتیب برای اندازه‌گیری چگونگی رابطه، مقدار اثرگذاری و میزان پیش‌بینی تغییرات متغیرها کاربرد داشتند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد: نخست، مؤلفه‌های بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی قابلیت تبیین نظام اداری مدرن را دارند. همچنین با مؤلفه‌های حاکمیت ملی، حکومت‌های محلی، تفکیک قوا، فعالیت آزادانه احزاب و تمرکززدایی فعالیت‌ها می‌توان ساختار فدرالی را به نحوی مطلوب تبیین کرد. دوم، مطابق نتایج آزمون همبستگی پیرسون، بین نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی رابطه‌ای مستقیم، مثبت و قابل قبولی وجود دارد. سوم، براساس نتایج آزمون رگرسیون، سهم نسبی هر یک از مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی مشخص شد. به طوری که بوروکراسی کارآمد بیشترین و مسئولیت اجتماعی کمترین مقدار اثرگذاری را دارند. بر مبنای نتایج به دست آمده می‌توان استدلال کرد یک عامل کلیدی و مطمئن برای استقرار نظام فدرال در ایران، به کارگیری نظام اداری مدرن براساس مؤلفه‌های مذکور است.

کلیدواژه‌ها: نظام اداری مدرن؛ ساختار فدرالی؛ ایران

* دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: mehrgan.farhad@gmail.com

** استاد گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛

Email: m.hatami@pnu.ac.ir

*** استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران غرب، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛

Email: ahmadshohani51@pnu.ac.ir

فصلنامه مجلس و راهبرد، سال سی و یکم، شماره یکصد و هفدهم، بهار ۱۴۰۳

doi: 10.22034/MR.2023.5376.5134

مقدمه

یکی از مهم‌ترین وظایف و مسئولیت‌های هر دولتی، مدیریت فضای اداری و سیاسی کشور است و این مسئولیت زمانی که جامعه تنوع قومی، زبانی، جغرافیایی و اقتصادی دارد، دولت را با چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌کند. چنین تنوع و گوناگونی در حوزه‌های مختلف می‌تواند بالقوه زمینه‌ساز بروز انواع تعارض‌ها و اختلاف‌های اجتماعی (به اصطلاح شکاف‌های اجتماعی) باشد. شکاف‌های اجتماعی بیانگر خطوط تمایز و تعارضی هستند که بر سر ارزش‌ها، منافع و جهت‌گیری‌های گروه‌های مخالف در جامعه ایجاد می‌شود. در عمل، شکاف‌های اجتماعی به منزله پدیده‌های سیاسی هستند که از قابلیت تأثیرگذاری بالایی بر رفتارها و کنش‌های سیاسی شهروندان در جامعه دارند. به عبارت دیگر، شکاف‌های اجتماعی به مثابه مرزبندی‌های درونی جوامع انسانی هستند که مفهوم «ما» را از «دیگران» جدا می‌سازند (طباطبایی، ۱۳۹۷: ۱۱). بر این مبنا، جوامع برخوردار از تنوع بالای اجتماعی، به منظور اداره بهتر جامعه، نیازمند راه‌حلی مناسب و مطمئن هستند تا اولاً، میزان تنش‌ها و اختلاف‌های موجود را کاهش دهند و ثانیاً، سطح بالایی از قابلیت‌ها و توانمندی‌های هر گروه از جامعه را به کار گیرند. ماکس وبر^۱ (به نقل از موزلیس^۲، ۱۳۹۵: ۱۷) معتقد است در هر رژیم سیاسی وجود یک نظام اداری مدرن لازم و اجتناب‌ناپذیر است و هر نظام اداری عقلایی، مظهر و نمادی از دولت توسعه‌یافته است (وبر، ۱۳۹۷: ۹۶). در این بین دولت‌ها با یک نظام اداری توسعه‌یافته می‌توانند نقش مهم و سازنده‌ای در نیل به اهداف جامعه ایفا کنند. این بدان معناست که هر نظام سیاسی به‌ناچار باید یک نظام اداری توانمند را در کنار خود داشته باشد تا سیاستگذاران بتوانند در تدوین

1. Max Weber

2. Mouzelis

سیاست‌ها و برنامه‌هایشان از دانش و اطلاعات فنی متخصصان اداری استفاده کنند. در بین ساختارهای حکومتی، نظام فدرال به‌عنوان یکی از ساختارهای اداری - سیاسی از کارآمدی چشمگیری برخوردار است. در این ساختار حکومتی، قدرت بین حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم شده و هر یک از قدرت و اختیار مستقلی برای اعمال برخوردارند. بدین ترتیب، نه حکومت مرکزی، موجودیت قانونی خود را از حکومت‌های محلی کسب می‌کند و نه می‌تواند نظر خود را به آنها دیکته کند. سیستم حکومتی فدرال، نمونه بارزی از سیستم‌های حکومتی غیرمتمرکز یا مرکب است که در آن، تمرکز سیاسی به‌معنای واقعی وجود ندارد (شکیبا مقدم، ۱۳۹۶: ۳۲؛ نوروزیفر، ۱۳۹۷: ۱۲۴). نظام‌های فدرال، مسائل و مشکلات ناشی از حکومت‌های بزرگ را به‌نحو مطلوبی حل کرده و تا حد زیادی مسائل مربوط به تنوع زبانی، مذهبی و فرهنگی را تعدیل کرده‌اند. به‌کارگیری ساختار فدرالی از یک‌طرف، ابزارهایی را برای کنترل بر قدرت حکومت مرکزی مهیا می‌کند و از طرف دیگر، اقدام و عمل سیاسی را در بین شهروندان تسهیل می‌کند. در ساختارهای فدرالی، تقسیم سیستم به واحدهای کوچک‌تر و مستقل می‌تواند کارایی را در حوزه‌های مختلف بالا برد و به صرفه‌جویی بیشتری نسبت به مقیاس، برای تنوع خدمات منجر شود (Anderson, 2018: 25).

براساس مطالب فوق می‌توان استدلال کرد دولت کامل‌ترین نهاد سیاسی است که نظام اداری برخاسته از آن به‌عنوان نمایی از ساختار کلی جامعه، ارتباط نزدیکی با سایر بخش‌های حاکمیتی دارد و مسلماً هر جامعه‌ای که خواهان توسعه است، باید تأکید ویژه‌ای بر توسعه نظام اداری داشته باشد. بنابراین با توجه به پیچیدگی جوامع امروزی دولت‌ها به‌ناچار برای حل مشکلات جامعه نیازمند یک نظام اداری کارآمد و اثربخش هستند. از آنجاکه اجرای قوانین نسبت به تدوین آن مشکل‌تر است، حوزه اجرا (اداره) اهمیت بیشتری در مقایسه با سایر حوزه‌های حاکمیتی دارد. ایران به‌عنوان یک

کشور در حال توسعه، هیچ‌گاه در پیشینه اداری و سیاسی خود از مزایای داشتن نظام اداری توسعه‌یافته برخوردار نبود و تاکنون شیوه مدیریتی تحت عنوان نظام فدرالی را تجربه نکرده است. البته باید تأکید کرد مسئولان ایرانی همواره در تلاش‌اند تا از طریق سیاستگذاری در حوزه‌های مختلف به‌ویژه در حوزه مدیریت کلان کشور، زیرساخت اداری را در جهت دستیابی به اهداف توسعه‌محور تقویت کنند. ناگفته نماند ایران به دلیل برخورداری از یک ساختار اداری و سیاسی متمرکز و وجود شکاف‌های اجتماعی، در حوزه داخلی و بین‌المللی با چالش‌های متعددی مواجه است. در چنین شرایطی به نظر می‌رسد به‌کارگیری یک نظام اداری کارآمد و استقرار یک ساختار غیرمتمرکز تحت عنوان نظام فدرال در ایران که ظرفیت‌های لازم برای نیل به توسعه فراگیر را دارد، اهمیت ویژه‌ای داشته باشد؛ زیرا از طریق آنها می‌تواند هم انتظارات و خواسته‌های شهروندان را مدیریت کند و هم بخشی از فرایند اداری و سیاسی را به خود شهروندان و نمایندگان آنها واگذار کند. بر این اساس مطالعه حاضر با هدف بررسی تبیین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در استقرار ساختار فدرالی انجام می‌شود تا اولاً، عوامل مهم برای ایجاد نظام اداری مدرن شناسایی و ثانیاً، میزان اثرگذاری نظام اداری مدرن در استقرار ساختار فدرالی مشخص شود. سؤال‌هایی که در این راستا می‌توان مطرح کرد عبارتند از: الف) سازوکارهای لازم برای ایجاد نظام اداری مدرن کدام‌ها هستند؟ ب) آیا نظام اداری مدرن می‌تواند در استقرار و تقویت ساختار فدرالی در ایران نقش پیش‌برنده داشته باشد یا به‌عنوان عاملی بازدارنده عمل می‌کند؟

۱. مبانی نظری پژوهش

مبانی نظری و تحقیقات انجام شده در این خصوص برای تبیین بهتر متغیرهای تحقیق بسیار مؤثر است.

۱-۱. نظام اداری مدرن

یکی از زیرساخت‌های مهم توسعه و پیشرفت هر جامعه‌ای، نظام اداری آن است که تأثیر کلیدی در تحقق اهداف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. به طوری که هرچقدر نظام اداری از کارآمدی و توانمندی بیشتری برخوردار باشد، به همان اندازه در رسیدن به اهدافشان موفق‌تر هستند. با توجه به اینکه توسعه، فرایندی چندبعدی و زمان‌بر است، تحقق آن نیازمند بسیج تمامی منابع (مالی و انسانی) و وجود بستر اجتماعی آرام و باثبات است و ایجاد چنین شرایطی تنها از عهده دولت برمی‌آید (واینتر^۱ و هانتینگتون^۲، ۱۳۹۶: ۵). ویلسون^۳ معتقد است اداره نمایان‌ترین بخش حکومت است که در عرصه عمل بر حوزه‌های اجرایی وظایف دولت تمرکز دارد و مهم‌ترین اصول آن اختیار، مسئولیت و پاسخگویی است که تضمین‌کننده یک نظام دمکراتیک است. از این منظر نظام اداری نه تنها مانع یا تهدیدی برای ساختار سیاسی نیست، بلکه به‌منزله حافظ منافع عمومی می‌باشد (طهماسبی، ۱۳۹۵: ۳۸-۳۹). به باور دیوب^۴، هدف از اداره مدرن نیل به توسعه، کاهش نابرابری‌های اجتماعی، از بین بردن فقر و بیکاری، بهبود کیفیت زندگی و رفاه و عدالت در بین شهروندان است و تحقق آن مستلزم تدوین سیاست‌های عمومی متناسب با تغییرات ساختاری و ارزشی است (دیوب، ۱۳۹۶: ۴۷). از نظر وبر (۲۰۱۹: ۷۷) مؤثرترین سازمان‌ها در جوامع توسعه‌یافته، سازمان‌های بوروکراتیک و عقلایی هستند، زیرا وجود چنین سازمان‌هایی برای حل مشکلات و هدایت جامعه، حمایت از منافع شهروندان، تولید کالا و خدمات امری اجتناب‌ناپذیر است. به عقیده او، یکی

1. Weiner
2. Huntington
3. Wilson
4. Diob

از ویژگی‌های مهم جوامع معاصر، سلطه فرایندهای قانونی و عقلایی است که از طریق شکل‌گیری و توسعه نظام اداری به‌عنوان ابزار کلیدی دولت‌های مدرن به‌کار گرفته می‌شود. به‌بیان دیگر، نظام اداری می‌تواند ضمن افزایش قابلیت‌های عملیاتی خود و تأمین نیازهای گروه‌های مختلف، توانایی نظام سیاسی را برای جذب انواع تقاضاها ارتقا دهد. از این‌رو دولت‌های بهره‌مند از نهادهای اداری کارآمد ظرفیت‌های لازم را برای حل مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دارند (فولادوند، ۱۳۹۶: ۱۰۴).

در یک تعریف کلی، نظام اداری مدرن عبارت است از: مجموعه‌ای از سازوکارهای سازمانی و اقدام‌های دولت در راستای بالا بردن رفاه اجتماعی و توانمند کردن افراد و گروه‌های جامعه (Souza, 2017: 29). بیسون^۱ (۲۰۱۶: ۲) معتقد است توانایی این‌گونه دولت‌ها در ایجاد یک نظام اداری مدرن از اصلی‌ترین ویژگی‌های این نوع دولت‌هاست. به باور دانایی‌فرد (۱۳۹۸: ۱۳۷) نظام سیاسی بدون نظام اداره عقیم است، زیرا تداوم حیات هر نظام سیاسی، در گرو نظام اداری آن است. عده‌ای از محققان باور دارند توسعه اداری پیش‌نیاز توسعه سیاسی است و تأکید می‌کنند در یک نظام توسعه‌یافته، فعالیت‌های سیاسی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سازمان‌های کارا، منابع بیشتر و مهارت‌ها و تکنیک‌های ویژه دارند (قوام، ۱۳۹۵: ۹۲). از آنجاکه عملکرد اداره اساساً سیاسی است و در بستر سیاست شکل می‌گیرد، می‌توان گفت دغدغه اندیشمندان مدیریت دولتی مانند نظریه‌پردازان سیاسی، رسیدن به جامعه‌ای مطلوب است، زیرا نظام اداری، ابزار کار دولت برای اداره امور عمومی است و دولت‌ها به‌عنوان نماینده شهروندان، برای مقابله با بحران‌ها نیازمند یک نظام اداری کارآمد هستند تا ضمن ارائه خدمات مناسب، کنترل و نظارت بیشتری بر فرایندهای سیاسی، اجتماعی و ... در بخش‌های مختلف جامعه اعمال کنند. بیشتر مطالعات انجام شده

1. Beeson

در خصوص نظام اداری، نشان می‌دهد یک نظام اداری توسعه‌یافته از مؤلفه‌هایی چون بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی تشکیل شده و اکثر محققان و صاحب‌نظران بر این موضوعها اتفاق نظر دارند (واعظی، ۱۳۹۹؛ زرکانی و احمدی، ۱۳۹۸؛ دانایی‌فرد، ۱۳۹۸؛ طهماسبی، ۱۳۹۵؛ Weber, 2019) لازم است برای تبیین بهتر، هریک از مؤلفه‌های فوق، تعریف شوند:

الف) بوروکراسی کارآمد: به نظامی از حکومت اطلاق می‌شود که برای اختیار یا قدرت ادارات دولتی و شاخه‌های آنها در هماهنگ کردن و ایفای دقیق وظایف اداری منفرد، متنوع و پیچیده به وجود می‌آید (Laski, 2019: 70). ویژگی‌هایی چون سلسله‌مراتب اختیار، نظام قوانین و مقررات، تخصص‌گرایی و شایسته‌سالاری لازمه یک بوروکراسی کارآمد است.

ب) دولت الکترونیک: نوعی حکومت‌داری است که با استفاده از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات از کارکردها و خدمات دولت پشتیبانی شده و از شهروندان برای مشارکت در فرایندهای سیاسی حمایت می‌شود (عاملی، ۱۳۹۶: ۴۴).

ج) حاکمیت قانون: عبارت است از: ارجحیت قانون در یک جامعه که از یک‌سو نظم را در بین شهروندان و دستگاه‌های دولتی برپایه قانون ایجاد می‌کند و از سوی دیگر، از حکم راندن و قدرت‌طلبی دولت و دولتمردان جلوگیری کرده و آن را محدود می‌کند (مرکز مالگیری، ۱۳۹۸: ۲۱).

د) پاسخگویی عمومی: فرایندی است که براساس آن مدیران و کارکنان دولتی ضمن داشتن اختیارات، نسبت به نتایج تصمیمات و عملکردشان به شهروندان جوابگو هستند (Jensen, 2020: 273) انواع مختلف پاسخگویی عمومی عبارتند از: مدیریتی، سیاسی، مالی، حرفه‌ای و قانونی (Hall and Ferris, 2014: 135).

ه) مسئولیت اجتماعی: تعهد و تمایل سازمان‌های دولتی به پاسخگویی درباره

پیامدهای فعالیت و تصمیمات‌شان بر جامعه، شهروندان و محیط از مسئولیت‌های اجتماعی است که جنبه‌های اقتصادی، اخلاقی، قانونی و داوطلبانه دارد (زرندی، معدنی و سروری، ۱۳۹۷: ۳۶-۳۵).

۲-۱. فدرالیسم و ساختار فدرالی

فدرالیسم، برگرفته از ریشه فئودوس^۱ و به معنای عهد، پیمان و قول است. در یک تعریف کلی، فدرالیسم نوعی ترتیبات نهادی است که در آن قدرت عمومی بین حکومت مرکزی و حکومت‌های محلی تقسیم شده و هر یک از این حکومت‌ها در برخی موضوع‌ها صلاحیت اتخاذ تصمیمات نهایی را دارند (Loomis, de Oliveira and Dziedzic, 2021: 78). در فرهنگ روبر، واژه فدرال به معنای اتحاد و متحد شدن معنی شده است و فدرالیسم، چارچوبی از سازمان‌دهی و همبستگی دولتی است که مطابق آن مجموعه نظام سیاسی از یک واحد سیاسی کل (دولت فدرال یا مرکزی) و واحدهای سیاسی جزء (ایالت‌ها) را دربرمی‌گیرد. هرچند این دو واحد (فدرال و ایالت‌ها)، از نهادها و سازمان‌های دولتی مانند حکومت و دستگاه اداری دولتی، پارلمان و قوه قضائیه برخوردارند، اما همه آنها با هم نظام سیاسی واحدی را تشکیل می‌دهند (Burgess, 2016: 27). به بیان دیگر، در نظام‌های فدرال دو سطح اصلی حکومت ملی (مرکزی) و ایالتی (استانی) وجود دارد، اما در برخی موارد یک نظام فدرال با به رسمیت شناختن قدرت حکومت محلی از طریق قانون اساسی یک ساختار سه‌لایه یا بیشتر توزیع قدرت ایجاد می‌کند (صباغیان، ۱۴۰۰: ۱۴۲۰). فدرالیسم خود به دو نوع تقسیم می‌شود: فدرالیسم ملحق‌کننده و جداکننده که نوع دوم بیشتر در کشورهایی با نظام سیاسی متمرکز به وجود می‌آید (خوبروی پاک، ۱۳۹۸: ۱۴).

1. Foedus

فدرالیسم را نمی‌توان یک ایدئولوژی مستقل دانست، بلکه شکلی از همبستگی و اتحاد سیاسی است که نمادی از توسعه‌یافتگی جوامع به‌شمار می‌آید (Awa, 2016: 138)؛ لیپست، (۱۳۹۴: ۹۸۷). بر این مبنا، نظام فدرال یک روش حکومتی براساس توزیع و اجرای سرزمینی قدرت سیاسی در یک کشور است و چون براساس تفاوت‌های منطقه‌ای بنا شده، گرایش‌ها و ویژگی‌های اجزای حکومت را به رسمیت می‌شناسد (راستی، میرحیدر و میراحمدی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). در نظام‌های فدرال، حکومت مرکزی در مورد مسائل و منافع عمومی نظیر ارتش، امنیت، اقتصاد و مسائل مالی، نشان‌های ملی و سیاست‌های خارجی تصمیم‌گیری می‌کند، در حالی که حکومت‌های ایالتی از شخصیت حقوقی و تعریف شده‌ای برخوردارند و حق وضع قوانین و سیاست‌های لازم و سازگار با هویت فرهنگ و آداب و رسوم مربوط به خود را دارند (عالم، ۱۳۹۹: ۱۸۰). در بیشتر ساختارهای فدرالی همکاری بین حکومت مرکزی و ایالت‌ها حول سه موضوع تبیین شده است که ترسیم مرزهای مشخص بین فعالیت‌های حکومتی، ایالتی و فدرال؛ تأسیس حکومت‌های محلی توانمند و حفاظت از هویت آنها و منسجم کردن مفهوم دولت - ملت از منظر سیاسی (Burgess and Gagnon, 2014: 85). را شامل می‌شود. به‌طور کلی، نظام‌های فدرال بر چهار اصل استوارند: اصل تفکیک صلاحیت (تقسیم حاکمیت)، اصل خودمختاری، اصل مشارکت هریک از واحدهای محلی در دولت مرکزی، اصل قوه قضائیه مستقل و دیوان قانون اساسی (Dinan and Heckelman, 2020: 238).

به‌نظر کینگ^۱ ساختارهای فدرال در چهار ویژگی اصلی قابل تبیین هستند: الف) نمایندگی در آن عموماً منطقه‌ای است. ب) نمایندگی منطقه‌ای، حداقل در دو سطح فروملی (محلی و منطقه‌ای) تنظیم شده است. ج) واحدهای منطقه‌ای براساس نظام انتخاباتی در فرایند تصمیم‌گیری‌های ملی وارد می‌شوند. د) ورود و دخالت مناطق در فرایند تصمیم‌گیری‌های مرکز را تنها می‌توان با سازوکارهای قانون اساسی تغییر داد. کینگ بیان می‌کند فدراسیون

1. King

شکلی از تقسیم‌بندی دولت است که با انواع خاصی از لیبرال - دموکراسی سازگاری دارند و کشورهایی که در چارچوب قانون اساسی اداره می‌شوند و به دموکراسی پایبند هستند را می‌توان فدراسیون‌های واقعی نامید (King, 2018: 101).

بیشتر مطالعات انجام شده در خصوص فدرالیسم و نظام‌های فدرالی بر مؤلفه‌هایی مانند حاکمیت ملی، حکومت محلی، تفکیک قوا، فعالیت آزادانه احزاب و تمرکززدایی از فعالیت‌ها تأکید کرده‌اند (قبادی، ۱۳۹۱؛ Zhao et al., 2021; Loomis et al., 2021; 78; Dobrynin, 2020; Ansolabehere and Puy, 2020; Dinan and Heckelman, 2020: 238). از این رو برای تبیین بهتر، هریک از مؤلفه‌های فوق تعریف می‌شوند:

حاکمیت ملی: فرایند اعمال تمام صلاحیت‌ها و اختیاراتی که کشور در چارچوب سرزمین خود انجام می‌دهد. این صلاحیت و اختیارات بر دو نوع است: بعضی مربوط به خود سرزمین و بعضی دیگر به اشخاص موجود در آن مربوط می‌شود (مویر^۱، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

حکومت محلی: موجودیتی سازمان‌یافته است که مشخصه‌های حکومتی دارد و از استقلال اداری و مالی (و نه سیاسی) قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده و هدف از ایجاد آن ارائه خدمات عمومی به مردم محل با حداکثری کارایی و اثربخشی است (مقیم^۲، ۱۳۹۵: ۴۱).
تفکیک قوا: یعنی واگذاری قوای اصلی حکومت (مقننه، مجریه و قضائیه) به نهادهای مختلف است و هدف از آن عنوان یکی از ارکان دموکراسی، جلوگیری از ظهور استبداد و خودکامگی و تمرکز و انحصار قدرت یا به عبارتی تضمین آزادی است (بشیریه، ۱۳۹۷: ۳۴۶).

فعالیت آزادانه احزاب: فرایندی است که احزاب بر مبنای قانون در فعالیت‌های سیاسی برای مهار کردن اختلاف‌ها و منازعات و اثرگذاری بر تصمیمات کلان مشارکت دارند (اسمیت^۲، ۱۳۹۴: ۸۵).

1. Moyer

2. Smite

تمرکززدایی از فعالیت‌ها: فرایند واگذاری اختیار به سطوح پایین و در سطح دولت به معنای تفویض قدرت در مسائل سیاسی و اداری به واحدها و تشکیلات محلی (نورزیفر، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص متغیرهای این تحقیق، مطالعات گوناگونی با رویکردهای مختلف پژوهشگران (داخلی و خارجی) انجام داده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌شود: واعظی (۱۳۹۹) معتقد است اداره با محور قرار دادن عنصر هدف نفع عمومی که هم‌زمان خدمت و نظم عمومی را دربرمی‌گیرد، می‌تواند توجیه‌گر امتیازات و تعهدات ویژه اداره نسبت به سایر اشخاص و نهادها باشد. زرقانی و احمدی (۱۳۹۸) بیان می‌کنند حاکمیت قانون مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف در تحقق حکمرانی خوب است و با تأکید بر اصل تمرکززدایی کامل، دولت ملی قادر است بخشی از مسئولیت‌های اجتماعی را به شهروندان در قالب دولت‌های محلی واگذار کند و زمینه‌های تعامل و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را میان دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی تقویت کند. کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸) بر این باورند که تمرکززدایی اگر به‌درستی طراحی شود می‌تواند دموکراسی را بدون تضعیف قدرت دولت افزایش دهد. همچنین تمرکززدایی با استفاده از فناوری‌های نوین سطوح بالاتری از مشارکت و مشروعیت را گسترش می‌دهد که این امر موجب کاهش هزینه‌های برقراری و حفظ نظم، افزایش پاسخگویی عمومی، کاهش نیاز به کارگیری قدرت از سوی دولت می‌شود که در نهایت همه موارد از پیش‌رانه‌های توسعه محسوب می‌شوند. عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) اظهار می‌دارند تحول‌گرایی در نظام اداری کشور موجب افزایش ظرفیت نظام سیاسی برای پاسخگویی در برابر این ثبات و مشارکت سیاسی و متقابلاً گسترش نهادهای سیاسی

و تقویت توان پاسخگویی نظام سیاسی و برابری و ثبات و مشارکت سیاسی در آن موجب چابکی و کارآمدی نظام اداری - سیاسی خواهد شد. قبادی (۱۳۹۱) معتقد است تمرکززدایی به معنای انتقال مسئولیت از دولت مرکزی به دولت‌های محلی برمبنای قانون است. در واقع برای اینکه مقامات محلی به‌توانند عملکرد موفق‌تری داشته باشند به استقلال مالی و اداری نیاز دارند. ژائو^۱ و همکاران (۲۰۲۱) ادعا می‌کنند هم تمرکززدایی و هم رقابت بین دولت‌های محلی به‌طور مؤثری مسئولیت اجتماعی هر منطقه را ارتقا می‌دهند. همچنین زیرساخت‌های اداری دولت‌های محلی موجب تقویت همکاری‌ها در سطوح مختلف می‌شود. دوبرینین^۲ (۲۰۲۰) تأکید می‌کند نظام فدرالی (روسیه) در حل مسائل ملی و توسعه‌ای در کوتاه‌مدت نتایج مثبتی به‌بار آورده بود، ولی بعدها موجب ظهور ملی‌گرایی و تجزیه‌طلبی شد. به‌نظر وی تنها از طریق مدرن‌سازی اداره می‌توان مدل مطلوب فدراتیو ایجاد کرد. آنسولابیه‌ر و پوی^۳ (۲۰۲۰) بیان می‌کنند تحت حاکمیت یک دولت فدرال و قانون اساسی مشترک می‌توان بسیاری از فرهنگ‌های محلی و اقتصادهای ناهمگون را به‌هم پیوند داد و از طریق نظام اداری کارآمد زمینه‌های توسعه اقتصادی را در هر منطقه فراهم کرد. به‌علاوه با تکیه بر حاکمیت قانون و پاسخگویی در برابر عملکرد دولت می‌توان خطر انشعاب سیاسی، منطقه‌ای، تضاد مدنی و انحلال احتمالی را حذف کرد.

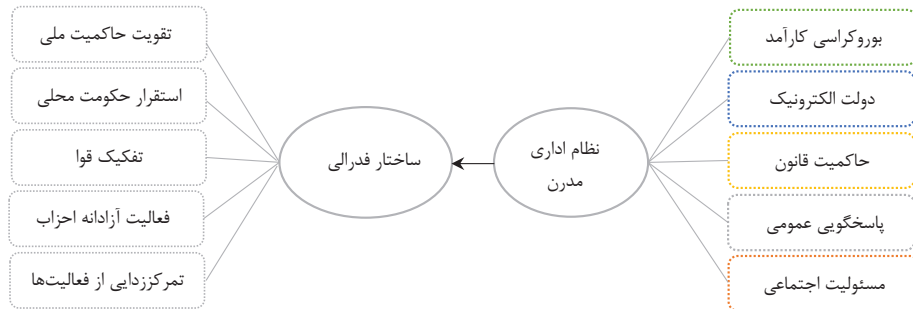
با در نظر گرفتن مبانی نظری تحقیق و پژوهش‌های قبلی، مدل ذیل به‌عنوان مدل مفهومی ارائه شده که در آن نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی به‌ترتیب متغیرهای مستقل و وابسته هستند و هر متغیر با پنج مؤلفه تبیین می‌شوند.

1. Zhao

2. Dobrynin

3. Ansolabehere and Puy

شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق



مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۳. روش پژوهش

از آنجاکه به لحاظ تاریخی هیچ‌گاه در ایران نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی وجود نداشته، ارائه دیدگاه‌های نظری در خصوص این دو متغیر با واگرایی و همگرایی همراه بوده است. در این مطالعه ضمن بررسی دیدگاه‌های نظری و نتایج عملی محققان، هدف شناسایی و ارائه مؤلفه‌های اصلی متغیرهای فوق برای برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است تا بتوان تقریبی قابل اطمینان از روندها و واقعیت‌های آینده به دست آورد. در این راستا، مطلوب‌ترین روش برای انجام مطالعه حاضر، آینده‌پژوهی با رویکردی اکتشافی بر مبنای داده‌های کمی است. رویکرد اکتشافی، چارچوبی سنتی برای پیش‌بینی بوده و نتایج حاصل از آن، قابلیت شناخت بهتر تغییرات در آینده و برنامه‌ریزی مناسب برای شرایط مختلف را دارد. با اتکا به این رویکرد می‌توان تصویر واقعی‌تری از آینده طراحی و تصمیمات و سیاست‌های دقیق‌تری اتخاذ کرد. در تعریفی ساده، آینده‌پژوهی^۱ عبارت است از: مطالعه و ارائه الگوی ذهنی از روابط بین متغیرها که جهت‌گیری مشخصی نسبت به آینده را نشان می‌دهد.

1. Futures Study

همچنان که گفته شد، براساس مبانی نظری و پیشینه تحقیق، مدل مفهومی ارائه شده اما به منظور اعتبارسنجی روابط بین متغیرها و مؤلفه‌های مربوط به آنها باید از مدل‌یابی به روش معادلات ساختاری استفاده شود. بدیهی است معادلات ساختاری روشی مطمئن برای تأیید یا رد مدل مفهومی از طریق داده‌های کمی و آزمون‌های آماری است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها، توصیفی (پیمایشی)، و از نظر روابط بین متغیرها از تحقیقات همبستگی است. افراد مشارکت‌کننده این تحقیق شامل دو گروه می‌شود: گروه اول، خبرگان (اساتید هیئت علمی) که در دو رشته مدیریت دولتی و علوم سیاسی مشغول به تدریس هستند. این افراد به دلیل داشتن دانش علمی و تخصصی‌شان، صرفاً برای سنجش روایی^۱ و پایایی^۲ پرسشنامه‌ها در تحقیق حضور داشتند. نحوه انتخاب ایشان به شیوه گلوله برفی و تعداد مورد نیاز با توجه به شرط کفایت داده‌ها، ۲۵ نفر است. گروه دوم، محققان و پژوهشگرانی هستند که در ۱۰ سال گذشته (۱۴۰۰-۱۳۹۰) در خصوص متغیرهای نظام اداری مدرن و نظام فدرالی به شیوه علمی مطالعه کرده و نتایج تحقیقات‌شان در فصلنامه‌های مورد تأیید وزارت علوم، تحقیقات و فناوری چاپ شده است. این افراد برای پاسخ به سؤال‌های پرسشنامه‌ها، طی فرایند گردآوری داده‌ها مشارکت کردند. تعداد این پژوهشگران ۸۹ نفر بود که مطابق برآورد فرمول کوکران^۳، ۷۳ نفر به عنوان نمونه آماری و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند.

با توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد ساختار اجتماعی، اداری و سیاسی ایران، لازم بود از ابزاری مناسب برای گردآوری داده‌ها استفاده شود تا شرایط موجود به نحو مطلوب تبیین گردد. بر این مبنای، دو پرسشنامه مجزا جهت اندازه‌گیری متغیرهای

1. Validity

2. Reliability

3. Cochran Formula

نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی تهیه و تنظیم شد. این پرسشنامه‌ها بعد از مرور ادبیات تحقیق و انجام مطالعات اکتشافی تهیه شد تا مؤلفه‌ها و گویه‌هایی انتخاب شوند که مطلوب‌ترین تبیین را برای هر متغیر ارائه می‌کنند. گفتنی است هریک از پرسشنامه‌ها با طیف پنج ارزشی لیکرت تنظیم و از طریق گوگل فرم به ایمیل پژوهشگران ارسال شد. از آنجاکه پرسشنامه‌ها محقق ساخته بودند باید نسبت به روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل شود. جهت سنجش روایی پرسشنامه‌ها، روایی محتوا^۱ (نسبت روایی^۲ و شاخص روایی^۳)، روایی صوری^۴ و روایی سازه^۵ و برای سنجش پایایی، میزان آلفا کرونباخ^۶ آنها اندازه‌گیری شد. در نسبت روایی، مقدار عددی گویه‌ها (۰/۳۷) و در شاخص روایی، مقادیر عددی هریک از گویه‌ها بیشتر از (۰/۷۹) به‌دست آمد که این مقادیر نشان می‌دهد نسبت روایی و شاخص روایی برای همه گویه‌ها مورد تأیید است.^۷ همچنین به‌منظور سنجش روایی صوری، آزمون نمره تأثیر آیتم هر گویه بررسی شد که براساس آن همه گویه‌ها مقدار عددی بالاتر از ۱/۵ (حد قابل قبول) کسب کردند. برای سنجش روایی سازه، آزمون تحلیل عاملی اکتشافی^۸ انجام شد که در آن شاخص کفایت نمونه‌گیری^۹ بیشتر از (۰/۶) بود و مقدار کای دو [آزمون بارتلت]^{۱۰} برای متغیرهای نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی به‌ترتیب

1. Content Validity

2. Content Validity Ratio (CVR)

3. Content Validity Index (CVI)

4. Item Impact Score (IIS)

5. Structural Validity

6. Cronbach's Coefficient Alpha

۷. اگر شاخص روایی محتوا در گویه‌ای بین ۰/۷۰ تا ۰/۷۹ باشد، باید اصلاح شود و اگر هریک از گویه‌ها کمتر از ۰/۷۰ باشد باید آن گویه حذف شود.

8. Exploratory Factor Analysis (EFA)

9. Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy (KMO)

10. Bartlett's Test

مقادیر (۰/۸۱۲) و (۰/۸۰۱) به دست آمد. نتایج آزمون آلفای کرونباخ، نظام اداری مدرن (۰/۸۵۵) و نظام فدرالی (۰/۸۷۴) به دست آمد که نشان می‌دهد گویه‌های پرسشنامه‌ها از پایایی (همسانی درونی) مطلوبی برخوردارند. جدول ۱ خلاصه نتایج مربوط به روایی و پایایی مؤلفه‌ها و گویه‌های متغیرها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های استخراج شده برای هر متغیر

| پایایی | EFA | IIS | CVI | CVR | گویه‌ها | مؤلفه‌ها | متغیر |
|--------|------|------|------|------|--|-----------------------------------|-----------------------|
| ۰/۸۳۵ | ۰/۷۸ | ۳/۹۶ | ۰/۸۴ | ۰/۴۴ | تصمیمات باید توسط مدیران و مسئولان سطوح بالا کنترل و بازنگری شوند. | به‌کارگیری بوروکراسی کارآمد | نظام اداری مدرن |
| | ۰/۸۳ | ۳/۹۲ | ۰/۸۷ | ۰/۶۰ | وظایف باید مطابق قوانین و بدور از ارزش‌های شخصی انجام شود. | | |
| | ۰/۸۱ | ۴/۱۶ | ۰/۸۹ | ۰/۷۶ | کارکنان سازمان‌ها باید از تخصص و مهارت‌های لازم برخوردار باشند. | | |
| | ۰/۸۴ | ۴/۲۶ | ۰/۷۸ | ۰/۶۸ | استخدام و به‌کارگیری افراد باید متناسب با توانایی‌ها و مهارت‌های فردی باشد. | | |
| ۰/۸۱۶ | ۰/۸۷ | ۴/۰۴ | ۰/۹۲ | ۰/۶۰ | خدمات الکترونیکی دولتی باید به‌صورت یکپارچه و باکیفیت به شهروندان ارائه شود. | استقرار دولت الکترونیک | نظام اداری مدرن |
| | ۰/۷۹ | ۴/۱۲ | ۰/۸۸ | ۰/۷۶ | خدمات الکترونیکی دولتی باید در راستای افزایش مشارکت شهروندان ارائه شود. | | |
| | ۰/۸۲ | ۴/۰۸ | ۰/۸۹ | ۰/۶۰ | خدمات الکترونیکی دولتی باید تأمین‌کننده امنیت و اعتماد شهروندان باشد. | | |
| | ۰/۷۶ | ۳/۹۲ | ۰/۹۲ | ۰/۵۲ | شهروندان باید در هر زمان از طریق اینترنت به اطلاعات دسترسی داشته باشند. | | |

| متغیر | مؤلفه‌ها | گویه‌ها | CVR | CVI | IIS | EFA | پایایی |
|-----------------|------------------|---|------|------|------|------|--------|
| | حاکمیت قانون | نظارت‌های قانونی باید بر تمامی فرایندهای اداری و سیاسی اعمال شود. همه افراد جامعه (حقیقی و حقوقی) باید دارای حق قانونی برابر باشد. اجرای بی‌طرفانه قانون باید زیرنظر سیستم قضایی مستقل انجام شود. اتخاذ تصمیمات و اجرای آن باید مطابق با قوانین و مقررات باشد. | ۰/۴۴ | ۰/۹۷ | ۴/۳۲ | ۰/۷۸ | ۰/۸۰۷ |
| | | | ۰/۵۲ | ۰/۹۲ | ۴/۱۶ | ۰/۸۶ | |
| | | | ۰/۶۰ | ۰/۹۴ | ۳/۹۲ | ۰/۷۴ | |
| | | | ۰/۵۲ | ۰/۸۶ | ۴/۴ | ۰/۸۲ | |
| نظام اداری مدرن | پاسخگویی عمومی | سازمان‌های دولتی باید وظایف خود را به‌طور شفاف انجام دهند. سازمان‌های دولتی باید برابر عملکرد خود انتقادپذیر باشند. دولت باید در شناسایی و حل بموقع مشکلات اعتماد مردم را جلب کند. دولت باید براساس اولویت مسائل جامعه اطلاع‌رسانی کافی داشته باشد. | ۰/۴۴ | ۰/۸۶ | ۳/۹۲ | ۰/۷۹ | ۰/۸۵۹ |
| | | | ۰/۴۴ | ۰/۸۸ | ۳/۸۴ | ۰/۷۸ | |
| | | | ۰/۵۲ | ۰/۹۰ | ۳/۹۲ | ۰/۷۴ | |
| | | | ۰/۶۰ | ۰/۹۴ | ۳/۷۸ | ۰/۷۳ | |
| | مسئولیت اجتماعی | فعالیت سازمان‌های دولتی باید در جهت تأمین منافع شهروندان باشد. عملکرد دولت باید در جهت حفاظت از سرمایه‌های ملی باشد. سازمان‌های دولتی باید در راستای ارزش‌های حاکم بر جامعه فعالیت کنند. فعالیت سازمان‌های دولتی باید در جهت افزایش رفاه اجتماعی مردم باشد. | ۰/۷۶ | ۰/۹۶ | ۳/۱۳ | ۰/۸۶ | ۰/۸۴۲ |
| | | | ۰/۶۸ | ۰/۸۹ | ۳/۱۶ | ۰/۸۹ | |
| | | | ۰/۶۰ | ۰/۹۲ | ۳/۴۲ | ۰/۷۸ | |
| | | | ۰/۵۲ | ۰/۹۷ | ۳/۱۹ | ۰/۸۵ | |
| ساختار فدرالی | تقویت حاکمیت ملی | از فعالیت گروه‌ها و نهادهایی که برهم‌زننده نظم عمومی هستند، باید جلوگیری شوند. برگزاری و شرکت در انتخابات آزاد باعث تقویت منافع ملی می‌شود. فعالیت‌های دولت و نظام سیاسی داخلی باید در راستای حفظ استقلال ملی باشد. همکاری و تعامل نظام سیاسی در خارج باید بازتابی از اراده مردم باشد. | ۰/۴۴ | ۰/۸۸ | ۴/۰۲ | ۰/۸۳ | ۰/۸۳۷ |
| | | | ۰/۶۰ | ۰/۸۹ | ۳/۳۶ | ۰/۸۰ | |
| | | | ۰/۷۶ | ۰/۹۲ | ۳/۱۸ | ۰/۷۶ | |
| | | | ۰/۶۸ | ۰/۹۳ | ۳/۰۹ | ۰/۷۹ | |

| پایایی | EFA | IIS | CVI | CVR | گویه‌ها | مؤلفه‌ها | متغیر |
|--------|------|------|------|------|---|----------------------------|---------------|
| ۰/۸۱ | ۰/۷۷ | ۳/۳۲ | ۰/۹۶ | ۰/۶۰ | انتخاب و به‌کارگیری مسئولان محلی باید توسط فرایندهای مشارکتی مردم باشد. | استقرار و تقویت اداره محلی | |
| | ۰/۸۴ | ۳/۶۴ | ۰/۹۷ | ۰/۷۶ | مسئولان محلی باید در تصمیم‌گیری‌های ملی مشارکت کنند. | | |
| | ۰/۷۲ | ۳/۸۹ | ۰/۹۰ | ۰/۶۰ | مسئولان محلی باید اختیارات لازم برای تدوین و تصویب سیاستگذاری داشته باشند. | | |
| | ۰/۷۹ | ۴/۰۱ | ۰/۸۹ | ۰/۵۲ | مسئولان محلی باید ابزارهای قانونی برای اعمال قدرت را در اختیار داشته باشند. | | |
| ۰/۸۱۳ | ۰/۸۶ | ۳/۶۷ | ۰/۹۰ | ۰/۴۴ | به‌منظور جلوگیری از تمرکز قدرت، باید قدرت سیاسی بین قوای سه‌گانه توزیع شود. | تفکیک قوا | ساختار فدرالی |
| | ۰/۸۰ | ۳/۹۲ | ۰/۹۳ | ۰/۵۲ | جهت سامان بهتر امور باید اصل نظارت و تعادل بین قوا سه‌گانه وجود داشته باشد. | | |
| | ۰/۷۵ | ۲/۹۸ | ۰/۹۷ | ۰/۶۰ | هریک از قوا باید دارای وظایف اختصاصی و مستقل از یکدیگر داشته باشند. | | |
| | ۰/۸۳ | ۲/۷۸ | ۰/۸۹ | ۰/۵۲ | توزیع و تفکیک قدرت باید طوری باشد که هر قوه بتواند دو قوه دیگر را محدود کند. | | |
| ۰/۸۲۶ | ۰/۷۸ | ۳/۳۷ | ۰/۹۱ | ۰/۴۶ | فعالیت احزاب سیاسی، باید در راستای آگاهی مردم در مسائل و امور زندگی‌شان باشد. | فعالیت آزادانه احزاب سیاسی | |
| | ۰/۷۹ | ۲/۹۴ | ۰/۹۳ | ۰/۴۴ | فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی باید در جهت اعمال فشار و اصلاح نظام سیاسی باشد. | | |
| | ۰/۸۵ | ۲/۷۷ | ۰/۹۷ | ۰/۵۲ | مشارکت شهروندان در فعالیتهای سیاسی، باید منجر به حقوق شهروندی باشد. | | |
| | ۰/۸۱ | ۳/۳۹ | ۰/۹۵ | ۰/۶۰ | فعالیت احزاب سیاسی باید در راستای تشبیت ارزش‌های دموکراتیک جامعه باشد. | | |

| متغیر | مؤلفه‌ها | گویه‌ها | CVR | CVI | IIS | EFA | پایایی |
|---------------|-------------------------|---|------|------|------|------|--------|
| ساختار فدرالی | تمرکززدایی از فعالیت‌ها | هر منطقه باید اختیارات کافی جهت اداره امور خود را داشته باشد. | ۰/۷۶ | ۰/۹۷ | ۳/۶۹ | ۰/۷۸ | ۰/۸۵ |
| | | هر منطقه باید مسئول تأمین امنیت شهروندان خود باشد. | ۰/۶۸ | ۰/۹۲ | ۳/۷۸ | ۰/۸۳ | |
| | | هر منطقه باید مسئول فرایند تولید و توزیع ثروت خود باشد. | ۰/۶۰ | ۰/۸۹ | ۴/۱۱ | ۰/۸۹ | |
| | | هر منطقه باید توانایی ارائه خدمات در حوزه‌های مختلف به شهروندان را داشته باشند. | ۰/۵۲ | ۰/۹۰ | ۲/۷۹ | ۰/۸۴ | |

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

۴. یافته‌های تحقیق

قبل از تحلیل داده‌ها، ابتدا وضعیت جمعیت‌شناختی نمونه‌های مورد مطالعه بررسی شد. در خصوص پاسخ‌دهندگان به سؤال‌های پرسشنامه‌ها به لحاظ جنسیت، ۵۵ نفر (۰/۷۵) مرد و ۱۸ نفر (۰/۲۵) زن بودند. از نظر میزان تحصیلات، ۱۳ نفر (۰/۱۸) کارشناسی ارشد، ۱۳ نفر (۰/۱۸) دانشجوی دکتری و ۶۰ نفر (۰/۸۲) دکتری تخصصی داشتند. به لحاظ رشته تحصیلی ۲۴ نفر (۰/۳۳) علوم سیاسی، ۱۹ نفر (۰/۲۶) اقتصاد، ۱۳ نفر (۰/۱۸)، جامعه‌شناسی و ۱۷ نفر (۰/۲۳) مدیریت دولتی بودند. از نظر سنی، ۸ نفر (۰/۱۱) زیر ۳۵ سال، ۱۷ نفر (۰/۲۳) بین ۳۵ تا ۴۵ سال، ۳۷ نفر (۰/۵۱) بین ۴۶ تا ۵۵ و ۱۱ نفر (۰/۱۵) بالای ۵۵ سال داشتند. از نظر سابقه خدمت، ۱۰ نفر (۰/۱۴) بین ۵ تا ۱۰ سال، ۲۱ نفر (۰/۲۹) بین ۱۰ تا ۱۵ سال، ۲۶ نفر (۰/۳۵) بین ۱۵ تا ۲۰ سال و ۱۶ نفر (۰/۲۲) بالای ۲۰ سال داشتند.

در ادامه برای آزمون فرضیه‌ها، ابتدا نحوه توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون شاپیرو - ولیک مشخص شد تا براساس نتایج آن آزمون‌های آماری مناسب انتخاب شوند. از آنجاکه

در آزمون فوق خطای محاسبه شده^۱ بیشتر از مقدار خطای آلفا^۲ بود، نرمال بودن توزیع داده‌ها مورد تأیید قرار گرفت. نتایج آزمون مذکور در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. آزمون شاپیرو - ولیک

| متغیرها | Z آماره | Sig | تأیید فرضیه | نتیجه‌گیری |
|-----------------|---------|-------|----------------|------------|
| نظام اداری مدرن | ۰/۰۹۹ | ۰/۰۸۲ | H ₀ | نرمال است |
| ساختار فدرالی | ۰/۰۹۹ | ۰/۰۷۵ | H ₀ | نرمال است |

مأخذ: همان.

با توجه به نرمال بودن توزیع داده‌ها، آزمون پیرسون به منظور اندازه‌گیری میزان، جهت و شدت رابطه بین متغیرها انجام شد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد:

فرضیه ۱: بین بوروکراسی کارآمد و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/85$, $P < 0/000$).

فرضیه ۲: بین استقرار دولت الکترونیک و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/82$, $P < 0/000$).

فرضیه ۳: بین حاکمیت قانون و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/84$, $P < 0/000$).

فرضیه ۴: بین پاسخگویی عمومی و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/81$, $P < 0/000$).

فرضیه ۵: بین مسئولیت اجتماعی و ساختار فدرالی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/80$, $P < 0/000$).

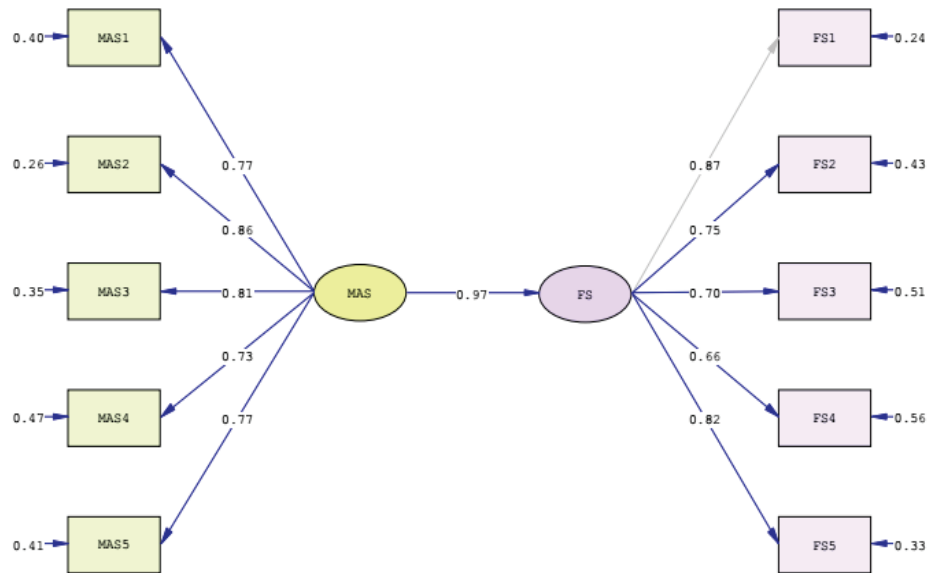
۱. میزان خطایی (Significance یا Sig) است که محقق در رد فرض H₀ مرتکب می‌شود.

۲. مقدار خطای آلفا یا خطای در نظر گرفته شده در این پژوهش ($\alpha=05/0$) است.

در آزمون فرضیه‌های فوق، فرض H_0 رد و فرض H_1 مورد تأیید قرار گرفت و این بدان معناست رابطه‌ای مثبت، مستقیم و قوی بین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و نظام فدرالی وجود دارد و برقراری این روابط نمی‌تواند تصادفی باشد.

بعد از آزمون فرضیه‌ها، باید روابط بین متغیرهای پنهان (مستقل و وابسته) و متغیرهای آشکار (مؤلفه‌ها) بررسی شود تا مدل مفهومی تحقیق از نظر آماری اعتبارسنجی شود. به منظور اعتبارسنجی مدل مفهومی، آزمون تحلیل مسیر انجام شد و مقدار ضرایب استاندارد (بارهای عاملی) و میزان T-Value (اثرگذاری متغیر مستقل بر متغیر وابسته) مورد ارزیابی قرار گرفت. براساس نتایج به دست آمده از این آزمون، بارهای عاملی در همه مسیرها در حد قابل قبول (یعنی بیش از ۰/۶) و معنادار بودند که این موضوع نشان می‌دهد همه گویه‌ها توانایی تبیین متغیرها را دارند. همچنین میزان اثرگذاری متغیر نظام اداری مدرن به طور مستقیم بر ساختار فدرالی برابر مقدار عددی (۰/۹۷) است. در آزمون T-value از معناداری مسیرها (بین متغیرها و مؤلفه‌های مربوطه) اطمینان حاصل شد به نحوی که مطابق نتایج مقادیر به دست آمده در همه مسیرها بیشتر از ۱/۹۶ هستند و این مقدار، معنادار بودن مسیرها را تأیید می‌کند. در نهایت مقدار T-value بین دو متغیر نظام اداری مدرن و نظام فدرالی برابر با مقدار عددی (۸/۸۴) به دست آمد که نشان‌دهنده تأثیرپذیری بالای ساختار فدرالی از نظام اداری مدرن است. شکل‌های ۲ و ۳ به ترتیب مقدار ضرایب استاندارد و مقدار T-value متغیرها و مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد.

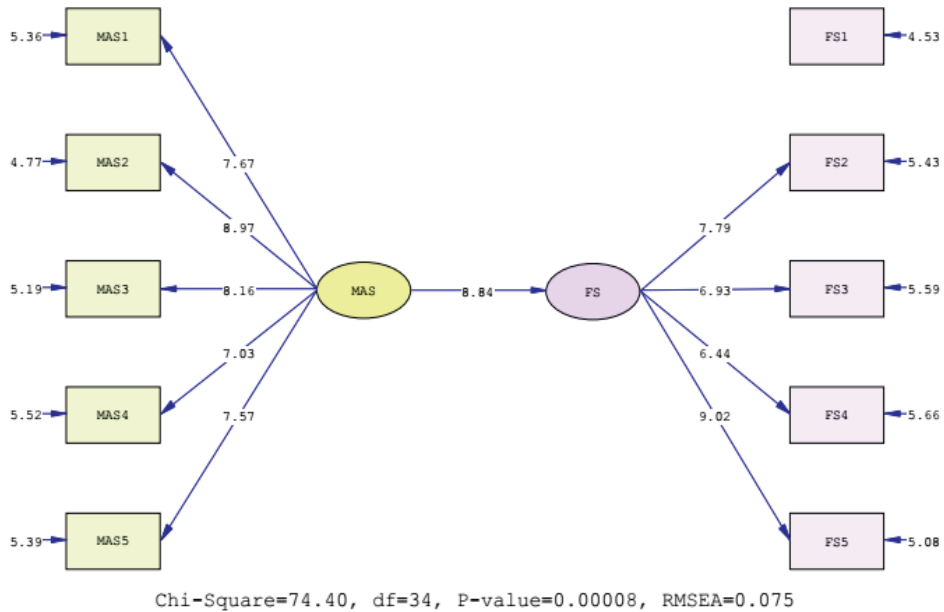
شکل ۲. مقدار ضرایب استاندارد بین متغیرها



Chi-Square=74.40, df=34, P-value=0.00008, RMSEA=0.075

مأخذ: یافته‌های تحقیق.

شکل ۳. مقدار T-value بين متغيرها



مأخذ: همان.

مطابق نتایج شاخص‌های نیکویی برازش مشخص شد: اولاً، معادلات ساختاری فوق از برازش قابل قبولی برخوردار است. ثانیاً، تأیید می‌شود داده‌های گردآوری شده، حمایت‌کننده مدل مفهومی است. جدول ۳ دامنه پذیرش و مقدار مشاهده شده هر شاخص را ارائه می‌دهد.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل تحقیق

| علامت | شاخص‌های برازش | دامنه پذیرش | مقدار مشاهده شده |
|--------------------|---------------------------------|--------------|------------------|
| X ² /df | نسبت کای دو به درجه آزادی | بین ۱ تا ۳ | ۲/۱۸ |
| RMSEA | ریشه میانگین مربعات خطای برآورد | کمتر از ۰/۰۸ | ۰/۰۷۵ |
| NFI | شاخص برازش هنجار شده | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۱ |
| NNFI | شاخص برازش هنجار نشده | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۲ |
| CFI | شاخص برازش مقایسه‌ای (تطبیقی) | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۳ |
| IFI | شاخص برازش فزاینده (افزایشی) | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۳ |
| GFI | شاخص نیکویی برازش | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۲ |
| AGFI | شاخص نیکویی برازش اصلاح شده | بالای ۰/۹۰ | ۰/۹۱ |

مأخذ: همان.

درنهایت به منظور تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیرها، آزمون رگرسیون انجام شد. این آزمون مشخص می‌کند متغیرهای مستقل تا اندازه توانایی تبیین تغییرات متغیر وابسته را دارند. به عبارت دیگر، قابلیت پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته تا چه میزان براساس تغییرات مؤلفه‌های متغیر مستقل است. در این آزمون، خلاصه مدل رگرسیون و ضرایب معادله رگرسیون از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. در بخش خلاصه مدل رگرسیون، براساس ضریب همبستگی (پیرسون) میزان همبستگی بین دو متغیر نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی مقدار عددی (۰/۸۷۶) است که نشان می‌دهد میزان همبستگی دو متغیر مستقیم، مثبت و در سطح مطلوب است. با توجه به مقدار ضریب تعیین بین دو متغیر، می‌توان گفت (۰/۷۶۷) از تغییرات ساختار فدرالی به دلیل تغییر نظام اداری مدرن قابل تبیین است. همچنین مطابق مقدار آماره دوربین- واتسون، امکان استفاده از معادله رگرسیون وجود دارد.^۱ از آنجاکه در تحقیق

۱. در آزمون رگرسیون زمانی می‌توان از معادله رگرسیون استفاده کرد که مقدار آزمون دوربین- واتسون در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشته باشد.

حاضر پنج متغیر تبیین‌کننده نظام اداری مدرن هستند، سهم نسبی هریک از آنها در اثرگذاری بر ساختار فدرالی مشخص شد. برای پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی، به‌ترتیب بوروکراسی کارآمد (۰/۳۸۹)، حاکمیت قانون (۰/۲۰۳)، دولت الکترونیک (۰/۱۷۴)، پاسخگویی عمومی (۰/۱۲۵) و مسئولیت اجتماعی (۰/۱۰۹) اولویت دارند. با توجه به اینکه سطح خطای محاسبه شده متغیرها کمتر از مقدار خطای آلفاست، رابطه معنادار در تبیین و پیش‌بینی متغیرها وجود دارد.

جدول ۴. آزمون رگرسیون بین مؤلفه‌های نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی

| خلاصه مدل رگرسیون | مدل | ضریب همبستگی | ضریب تعیین | ضریب تعیین تعدیل شده | خطای استاندارد برآورد | آزمون دوربین - واتسون |
|-------------------|------------------------|----------------------|----------------|----------------------|-----------------------|-----------------------|
| | ۱ | ۰/۸۷۶ | ۰/۷۶۷ | ۰/۷۵۰ | ۶/۹۳۷ | ۱/۹۶۳ |
| معادله رگرسیون | مدل | ضرایب استاندارد نشده | | ضرایب استاندارد شده | آماره t | Sig |
| | | B | خطای استاندارد | Beta | | |
| | مقدار ثابت | ۹/۳۹ | ۳/۲۲ | | ۲/۹۱ | ۰/۰۰۵ |
| | بوروکراسی کارآمد | ۰/۴۶۷ | ۰/۳۵۹ | ۰/۳۸۹ | ۵/۴۶ | ۰/۰۰۴ |
| | استقرار دولت الکترونیک | ۰/۷۸۸ | ۰/۴۹۵ | ۰/۱۷۴ | ۱/۵۹ | ۰/۰۰۱ |
| | حاکمیت قانون | ۰/۸۵۹ | ۰/۳۹۰ | ۰/۲۰۳ | ۲/۲۰۴ | ۰/۰۰۰ |
| | پاسخگویی عمومی | ۰/۷۱۵ | ۰/۳۱۴ | ۰/۱۲۵ | ۱/۴۶ | ۰/۰۰۲ |
| | مسئولیت اجتماعی | ۰/۴۴۰ | ۰/۳۶۰ | ۰/۱۰۹ | ۱/۲۲ | ۰/۰۳۱ |

مأخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

بدیهی است هر نظام اداری مدرن عامل کلیدی در ایجاد هماهنگی بین بخش‌های مختلف جامعه است و می‌تواند به‌عنوان ابزاری مناسب در اختیار دولت باشد تا حل مسائل و مشکلات مردم را تسهیل کند. مباحث نظری و فرضیه‌های ارائه شده در این پژوهش می‌تواند چنین نگرشی را تقویت کند که اولاً، داشتن یک نظام اداری توسعه‌یافته از طریق مؤلفه‌هایی چون بوروکراسی کارآمد، دولت الکترونیک، حاکمیت قانون، پاسخگویی عمومی و مسئولیت اجتماعی امکان‌پذیر است. ثانیاً، چنین نظام اداری می‌تواند بستر مناسبی برای استقرار ساختار فدرالی را در ایران فراهم کند. مطابق نتایج حاصله؛ فرضیه اول، بر وجود رابطه بین بوروکراسی کارآمد و ساختار فدرالی دلالت داشت که براساس مقدار ضریب پیرسون (۰/۸۵) و بتا (۰/۳۸۹) بین دو متغیر فوق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. بنابراین می‌توان ادعا کرد این نتایج با یافته‌های پژوهشی واعظی (۱۳۹۹)، عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) و دوبرینین (۲۰۲۰) مطابقت دارد. فرضیه دوم، رابطه بین استقرار دولت الکترونیک و ساختار فدرالی را بررسی کرد و با توجه به مقدار ضریب پیرسون (۰/۸۲) و بتا (۰/۱۷۴) رابطه دو متغیر تأیید شد که این موضوع با یافته‌های تحقیقاتی کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸) و آنسولابیهر و پوی (۲۰۲۰) همخوانی دارد. فرضیه سوم نیز بر وجود رابطه معنادار بین حاکمیت قانون و ساختار فدرالی تأکید داشت که مطابق مقادیر ضریب پیرسون (۰/۸۴) و بتا (۰/۲۰۳) می‌توان گفت این یافته‌ها در راستای نتایج پژوهشی زرقانی و احمدی (۱۳۹۸)، قبادی (۱۳۹۱) و آنسولابیهر و پوی (۲۰۲۰) است. فرضیه چهارم، وجود رابطه بین پاسخگویی عمومی و ساختار فدرالی بررسی کرد که مطابق نتایج حاصله از ضریب پیرسون (۰/۸۱) و بتا (۰/۱۲۵) می‌توان اظهار داشت، نتایج مذکور در راستای نتایج تحقیقاتی کوزه‌گر و رضایی (۱۳۹۸)، عابدی اردکانی و سلطانی (۱۳۹۷) است. فرضیه پنجم، رابطه معنادار

میان مسئولیت اجتماعی و ساختار فدرالی بررسی کرد که مطابق نتایج ضریب پیرسون (۰/۸۰) و بتا (۰/۱۰۹) این نتایج مطابق با یافته‌های پژوهشی زرقانی و احمدی (۱۳۹۸) و ژائو (۲۰۲۱) است. براساس این نتایج می‌توان گفت هر یک از مؤلفه‌های نظام اداری مدرن در پیش‌بینی تغییرات ساختار فدرالی تأثیرگذارند و در این بین بوروکراسی کارآمد با ۰/۳۸۹ و مسئولیت اجتماعی با ۰/۱۰۹ به ترتیب بیشترین و کمترین میزان اثرگذاری را در بین مؤلفه‌ها دارند.

بررسی ساختار اداری و سیاسی کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد همه آنها در دو مقوله نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی اشتراک دارند. تقریباً در همه این کشورها، موفقیت برنامه‌های دولت در گرو موفقیت نظام اداری آنهاست که در اصل به‌عنوان حافظ منافع ملی شناخته می‌شود. به‌علاوه، نظام اداری در این جوامع ابزار تحقق عدالت اجتماعی است و بدون آن دولت‌ها نمی‌توانند حتی ادعای عدالت را در جامعه داشته باشند. بر این مبنا، پیاده کردن اراده نظام سیاسی بدون یک نظام اداری کارآمد عملاً میسر نخواهد شد. از طرفی، ساختار فدرالی در کشورهای توسعه‌یافته نشان می‌دهد قدرت مرکزی حاصل جمع قدرت ایالت‌هاست و هر ایالت، خود نوعی حکومت متشکل از قوای مجریه، مقننه و قضائیه است. البته قانون اساسی، خودمختاری آنان را تضمین کرده و نحوه حکومت در محدوده جغرافیایی هر ایالت مشخص شده است (Burgess, 2016: 29). گفتنی است در آغاز قرن بیستم، تنها ۹ کشور با نظام فدرالی در جهان وجود داشت (آرژانتین، استرالیا، برزیل، کانادا، آلمان، مکزیک، سوئیس، آمریکا و ونزوئلا)، اما در پایان قرن بیستم کشورهای بیشتری به این ساختار سیاسی - اداری پیوستند به‌طوری‌که اکثر این کشورها پهناور و پرجمعیت هستند، از نظر فضایی و جمعیت حدود ۵۰ درصد کره زمین را دربرمی‌گیرند. از این‌رو، قرن بیستم را قرن فدرالیسم نامیده‌اند (خوبروی‌پاک، ۱۳۹۷: ۲۸؛ Boucher and Noël, 2021: 114).

با توجه به نتایجی که نظام اداری مدرن و ساختار فدرالی در کشورهای توسعه‌یافته بر جای گذاشته است این موضوع برجسته می‌شود که چنین روندی می‌تواند در ایران قابلیت اجرایی داشته باشد یا خیر. همچنان که پیش‌تر عنوان شد در ایران هیچ‌گاه مدیریت سیاسی - اداری مبتنی بر فدرالیسم وجود نداشته و موضوع‌های مطرح شده در خصوص مزایا و معایب آن، صرفاً جنبه نظری داشته و در عمل موفقیت یا شکست چنین نظامی تجربه نشده است. از آنجاکه ایران کشوری است که به لحاظ قومی، مذهبی و منابع طبیعی تنوع زیادی دارد و از نظر مساحت جغرافیایی نیز کشور وسیعی محسوب می‌شود، به کارگیری ساختار فدرالی برای اداره بهتر کشور گزینه مناسبی است. به بیان دیگر، در ایران نیز می‌توان از نظام فدرالی (نه الزاماً به شیوه غربی) الگوبرداری کرد تا ضمن تقویت حاکمیت ملی و انسجام درونی، از ظرفیت‌های مناطق مختلف بهره برد و با استقرار دولت‌های محلی بستر لازم برای رشد و توسعه کشور فراهم آید. از نظر جهت‌گیری، استقرار نظام فدرالی در ایران به‌عنوان کشور چند قومی، می‌تواند یک برنامه سرزمینی و غیرسرزمینی محسوب شود. در برنامه سرزمینی، جوامع قومی - منطقه‌ای به مناسب‌ترین وضع تقسیم‌بندی فضایی می‌شوند که شامل دولت مرکزی، ایالت‌ها و مناطق است. اساس این برنامه بر آن است که جوامع قومی - منطقه‌ای در حوزه خود به رسمیت شناخته شوند. نظام فدرال چنین چارچوبی را مدنظر قرار می‌دهد که در آن مرزهای میان اجزای فضایی سرزمین با مرزهای میان جوامع قومی - مذهبی یا زبانی آن منطبق است؛ اما چارچوب غیرسرزمینی به جوامع قومی پراکنده یعنی غیرمتمرکز در سرزمینی خاص مربوط می‌شود.

نظام فدرالی به‌عنوان شیوه مدیریتی غیرمتمرکز می‌تواند تبیین‌کننده الگوی تعاملی بین نظام سیاسی و اداری در کشور باشد، زیرا در اغلب کشورهای توسعه‌یافته

نتایج مثبت آن قابل مشاهده است. نظام اداری به‌عنوان کانالی مبتنی بر قانونمندی، شایسته‌سالاری و تخصص‌گرایی می‌تواند در اختیار نظام غیرمتمرکز باشد تا ضمن ایفای نقش اصلی در هماهنگ کردن سیاست‌ها و اجرای فرایندها در سطح ملی و محلی، به‌عنوان راه‌حلی مطمئن و کارآمد برای مسئله حکومت یک دولت بر اجتماعات مختلف، گرایش‌های متضاد را با هم آشتی دهد. بنابراین نظام اداری از طریق مؤلفه‌هایی که در این مطالعه بررسی شد، ضمن حفظ یکپارچگی و انسجام درونی به‌عنوان مجموعه واحد، می‌تواند حافظ منافع کل کشور در روابط و مناسبات خارجی باشد. به‌عبارت‌دیگر، موفقیت نظام سیاسی در قالب یک نظام فدرال می‌تواند تحت تأثیر اثربخشی و کارایی عملکرد نظام اداری قرار گیرد. در این فراگرد سیستم اداری ضمن فراهم کردن و تأمین نیازهای گروه‌های مختلف جامعه، آنها را با نهادها و هنجارهای موجود مانوس کرده و هم‌زمان با افزایش توانایی نظام سیاسی برای جذب انواع تقاضاهای سیاسی و اجتماعی مختلف، باعث بالا بردن قابلیت‌های خود جهت پاسخ‌دهی به این تقاضاها شود. پس مسلماً وجود یک نظام اداری کارآمد در افزایش قدرت نظام سیاسی برای پاسخگویی بیشتر به تقاضاهای مردم مؤثر است.

هرچند دیدگاه‌های مختلف و گاهاً متضادی در خصوص شیوه مدیریت فدرالی وجود دارد، اما نمی‌توان از این واقعیت چشم‌پوشی کرد که نظام‌های فدرال منبع مهمی برای ظرفیت‌سازی نهادی است و فرایندهای سیاسی و اداری در این سیستم به‌نحوی هدایت می‌شوند که موجودیت عناصر تشکیل‌دهنده آن به‌طور کامل حفظ شود. برخی صاحب‌نظران معتقدند به‌دلیل شیوه مدیریت فدرالی و با ایجاد نهادهای مشترک در کنار حفظ استقلال ملی، می‌توان از تکرار و بروز منازعات جلوگیری کرد و یک صلح پایدار برقرار ساخت؛ زیرا نظام‌های فدرال نه تنها سازگار با آزادی‌های فردی هستند، بلکه شرط لازم آن آزادی‌ها محسوب می‌شوند. در خصوص وضعیت

فعلی ایران، عده‌ای بیان می‌کنند به دلیل ناهمگونی جمعیتی و جغرافیایی و عدم توزیع مناسب منابع زیرزمینی، سامان‌دهی و اداره متمرکز امور به منظور حداکثر بهره‌برداری از منابع موجود امری طبیعی و حیاتی است. از طرفی نیز در ایران به علت وجود تنوع بالای قومیتی، ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی و گرایش‌های اداری - سیاسی پتانسیل‌های کافی وجود دارد که زمینه‌ساز بروز اختلاف‌هاست. در پاسخ به چنین دیدگاهی باید گفت با وجود ویژگی‌های خاص کشور، وقایع تاریخی نشان می‌دهد موجودیت ایران در قالب قومیت‌ها و ملت‌های مختلف همواره از اتحاد و یکپارچگی خود دست برنداشته و در مقابل هر نوع اقدام جدایی‌طلبانه از تمامیت ارضی کشور دفاع کرده‌اند. اگرچه در چند برهه تاریخی بخش‌هایی از ایران جدا شده است، اما این صرفاً به دلیل بی‌کفایتی حاکمان و پادشاهان و همچنین نفوذ کشورهای بیگانه بوده است و مردم ایران هیچ‌گاه در چنین مسیرهایی گام برنداشته‌اند.

بنابراین اگر عده‌ای این موضوع را مطرح می‌کنند که با برقراری نظام فدرال، امکان تجزیه کشور وجود دارد، چنین دیدگاهی نمی‌تواند صحت داشته باشد؛ زیرا در تمامی کشورهای توسعه‌یافته، شکاف‌های اجتماعی - سیاسی به مراتب بیشتر از ایران است، اما به دلیل وجود ارزش‌های فدراتیو و توانمندی نهادها و سازمان‌های اداری، تهدیدهای ناشی از شکاف‌های اجتماعی و سیاسی، به فرصت‌هایی تبدیل شده که در نهایت استفاده از ظرفیت‌های موجود را در مناطق فراهم آورده است. به باور اسمیت، دو راهبرد مهم برای موفقیت استقرار نظام فدرالی با تأکید بر نظام اداری وجود دارد: راهبرد اول، استقرار حکومت مرکزی قدرتمند به منظور تأمین وحدت فدراسیون و ایجاد فرایندها و اقدام‌های عملی سازگار با کنترل مرکزی سرزمینی از طریق سازوکارهای اداری است. راهبرد دوم، تلاش برای هم‌زیستی و سازگاری با فشارهای ناشی از تنوع و تکثر، نهادینه‌سازی سطوح بالاتری از خودمختاری قومی - منطقه‌ای است. به کارگیری این

دو راهبرد تضمین نهادی لازم و چارچوب نمایندگی متناسب با خواسته‌های قومی و مذهبی هر منطقه را فراهم می‌کند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۲۳).

در خصوص توصیه‌های سیاستی باید عنوان کرد؛ نتایج حاصل از پژوهش حاضر نشان می‌دهد فدرالی شدن ایران روندی هزینه‌بر و زمان‌بر است، اما برای تسریع و استقرار آن می‌توان از توانمندی‌های یک نظام اداری مدرن و کارآمد استفاده کرد. در ایران رویکردهای اداری و سیاسی بیشتر منطبق با آموزه‌های سنتی شور و مشورت بوده و هنوز الزامات قانونی و فنی یک نظام فدرال مشخص نشده و اکثر فعالیت‌های صورت گرفته در چارچوب عدم تمرکز و تمرکززدایی است که این امر به نوبه خود می‌تواند نخستین گام برای ظهور نظام فدرالی باشد. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین چالش‌ها در حیطه سیاسی (نهادی)، اجتماعی، اداری، تکنولوژیک است. راهکارهای سیاستی برای برون‌رفت از وضع موجود در جهت تمرکززدایی در سه مجموعه راهکارهای کلان، میانی و خرد قابل تفکیک است. اصلاح قانون اساسی و شفاف‌سازی قانون شوراها و گسترش حیطه وظایف شوراها به وظایف اجرایی و تصدی‌گری، گسترش سنت دموکراسی، استفاده مؤثر و کارا تر از ظرفیت‌های دولت الکترونیک، بسترسازی حقوقی و قانونی برای تحقق مشارکت مردمی و افزایش مشارکت‌پذیری در جامعه، تغییر نقش حاکمیتی دولت و سازمان‌های دولتی به نقش تسهیل‌گری و نظارتی در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری است. البته مباحثی مانند حاکمیت استانی و بسط شیوه مدیریت مناطق چندگانه باید به تدریج و به صورت آزمایشی در بخش‌هایی از کشور اجرا شود تا ضمن شناسایی و اصلاح نقاط ضعف آن، نقاط قوت نیز تقویت شود. این موارد می‌تواند اداره کشور را با توجه به بافت متنوع قومی و مذهبی موجود، در مسیر فدرالی شدن قرار دهد.

طبق نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد استقرار نظام فدرالی در ایران به‌عنوان یک

کشور متنوع (قومی، مذهبی، سیاسی و ...) می‌تواند یک برنامه سرزمینی محسوب شود که براساس آن هم تقسیم‌بندی فضایی کشور در قالب دولت مرکزی، ایالت‌ها و مناطق باشد، هم سازمان‌دهی و حوزه‌های حکومتی محلی به رسمیت شناخته شوند. البته این گذار سیاسی - اداری در کشور می‌تواند با اتکا به نظام اداری توانمند بیش‌ازپیش به اهداف خود نائل آید.

درخصوص پیشنهادهای پژوهشی باید عنوان کرد، این مطالعه با توجه به ماهیت متغیرها و موضوع‌های مطرح شده، بین‌رشته‌ای با رویکرد آینده‌پژوهی به‌شمار می‌آید که در آن بخشی از روابط بین متغیرهای اداری و سیاسی از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی و رگرسیون بررسی شد تا هم میزان و نوع رابطه بین متغیرها مشخص شود و هم میزان تأثیرپذیری قابل‌برآورد باشد. در حال نظام اداری مدرن و توسعه‌یافته ظرفیت بالایی برای استقرار یک نظام فدرال در ایران دارد و نه تنها تهدیدی برای آن به‌شمار نمی‌رود، بلکه عاملی مهم در نیل به دموکراسی است. ایجاد چنین سازوکاری نشان‌دهنده آن است که هم‌زمان با وجود تنوع و تفاوت در حوزه‌های مختلف، می‌توان انسجام و همگرایی بخش‌های مختلف جامعه را بهتر مدیریت کرد. از این‌رو در راستای نتایج این تحقیق و با در نظر گرفتن اهمیت فرایندهای اداری و سیاسی کشور و تبیین بهتر موضوع، محققان در پژوهش‌های آتی خود موارد ذیل را مطالعه کنند:

- بررسی و ارزیابی مؤلفه‌های نظام فدرالی در راستای تقویت انسجام اجتماعی،
- ارزیابی ظرفیت‌های نظام فدرال در جهت توسعه سیاسی و اقتصادی،
- نقش و جایگاه نظام فدرال در استقرار و تثبیت حکمرانی مطلوب،
- بررسی چالش‌های نظام فدرال در چارچوب ارزش‌های قومی و منطقه‌ای.

منابع و مأخذ

۱. اسمیت، گراهام (۱۳۹۴). *فدرالیسم چالش چند قومی*، ترجمه عبدالله رمضان‌زاده، تهران، نشر میزان.
۲. بشیریه، حسین (۱۳۹۷). *آموزش دانش سیاسی*، تهران، نشر نگاه معاصر.
۳. خوبروی پاک، محمدرضا (۱۳۹۷). *نقدی بر فدرالیسم*، تهران، انتشارات شیرازه.
۴. _____ (۱۳۹۸). *فدرالیسم در جهان سوم*، جلد اول، تهران، نشر هزار.
۵. دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۸). *چالش‌های مدیریت دولتی در ایران*، تهران، سمت.
۶. دیوب، شاکونتالا (۱۳۹۶). *نوسازی و توسعه در جستجوی قالب‌های فکری بدیل*، ترجمه احمد موثقی، تهران، انتشارات قومس.
۷. راستی، عمران، دره میرحیدر و فاطمه‌سادات میراحمدی (۱۳۹۶). *مبانی جغرافیای سیاسی*، تهران، انتشارات سمت.
۸. زرقلانی، هادی و ابراهیم احمدی (۱۳۹۸). «حکمرانی خوب در دولت‌های محلی، تمرکززدایی»، *فصلنامه دولت‌پژوهی*، ۵ (۱۹).
۹. زرندی، سعید، جواد معدنی و سعید سروری (۱۳۹۷). «نقش مسئولیت اجتماعی سازمان در خط‌مشی ارتقای سلامت اداری در بخش دولتی»، *فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت*، ۹ (۲۹).
۱۰. سواینر، مایرون و ساموئل هانتینگتون (۱۳۹۶). *درک توسعه سیاسی*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. شکیبیا مقدم، محمد (۱۳۹۶). *مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها*، تهران، انتشارات میر.
۱۲. صباغیان، علی (۱۴۰۰). «ریشه‌ها، ساختار و تحول فدرالیسم در جمهوری فدرال آلمان»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۱ (۴).
۱۳. طباطبایی، محمد (۱۳۹۷). *سیاست و حکومت در اروپا*، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. طهماسبی، رضا (۱۳۹۵). *درآمدی بر نظریه‌های مدیریت دولتی*، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. عابدی اردکانی، محمد و لقمان سلطانی (۱۳۹۷). «رابطه نظام اداری و توسعه سیاسی در جمهوری

- اسلامی ایران با بهره‌گیری از الگوی نظریه جاگورایب»، فصلنامه سیاست، ۵۰ (۲).
۱۶. عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۹). بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی.
۱۷. عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۶). نظریه‌ها و مفاهیم اساسی دولت الکترونیک، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۱۸. فولادوند، عزت‌اله (۱۳۹۶). مراحل و عوامل و موانع رشد سیاسی، تهران، نشر ماهی.
۱۹. قبادی، نسیرین (۱۳۹۱). «چالش‌های تأمین مالی دولت‌های محلی و راهکارهای مقابله با آن مطالعه موردی دولت‌های محلی در ایران»، دو ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، ش ۱۱ و ۱۲.
۲۰. قوام، عبدالعلی (۱۳۹۵). چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، انتشارات قومس.
۲۱. کوزه‌گر، لطفعلی و مصطفی رضایی (۱۳۹۸). «رهیافت توسعه تمرکززدایی از حکومت ملی به قیمت محلی»، فصلنامه توسعه پایدار محیط جغرافیایی، ۱ (۱).
۲۲. لپیست، مارتین (۱۳۹۴). دائره‌المعارف دمکراسی، ترجمه کامران فانی و نوراله مرادی، تهران، نشر وزارت امور خارجه.
۲۳. مرکز مالگیری، احمد (۱۳۹۸). حاکمیت قانون: مفاهیم، مبانی و برداشته‌ها، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. مقیمی، محمد (۱۳۹۵). اداره امور حکومت‌های محلی: مدیریت شوراها و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات سمت.
۲۵. موزلیس، نیکوس (۱۳۹۵). سازمان و بوروکراسی، تجزیه و تحلیلی از تئوری‌های نوین، ترجمه حسین میرزایی اهرنجانی و احمد تدینی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۲۶. مویر، ریچارد (۱۳۹۷). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.
۲۷. نوروزیفر، عبدالرحیم (۱۳۹۷). مدیریت سازمان‌های محلی و شهرداری‌ها، تهران، انتشارات بازتاب.
۲۸. واعظی، مجتبی (۱۳۹۹). «مفهوم تحلیلی اداره و مدل‌های آن»، پژوهشنامه حقوق تطبیقی، ۵ (۴).
۲۹. وبر، ماکس (۱۳۹۷). دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر هرمس.

30. Anderson, G. (2018). "Whither the Federation? Federalism under Rudd", *Public Policy*, 5(1).
31. Ansolabehere, S., and M.S. Puy (2020). *Constitutions, Federalism, and National Integration*, Departamento de Teoría e Historia Económica, Facultad de Ciencias Económicas y Empresariales, Universidad de Málaga.
32. Awa, E. (2016). *Government in Nigeria*, California, University of California Press.
33. Beeson, M. (2016). *The Rise and Fall of Developmental State*, Printed at www.espace. Library .uq.edu.au/eserv.
34. Boucher, F. and A. Noël (2021). *Fiscal Federalism in Multinational States Autonomy, Equality, and Diversity*, McGill-Queen's University Press.
35. Burgess, M. (2016). *Comparative Federalism, Theory and Practice*, New York, Routledge
36. Burgess, M. and A.G. Gagnon (2014). *Federal Democracies*, London, Routledge.
37. Dinan, J. and J.C. Heckelman (2020). "Stability and Contingency in Federalism Preferences", *Public Administration Review*, 80(2).
38. Dobrynin, N. M. (2020). "The Contemporary Russian Federalism in the Focus of Democracy, Division of Powers and Functionality of Administrative Hierarchy", *Gosudarstvo I Parvo*, (2).
39. Hall, A.T. and G.R. Ferris (2014). "Accountability and Extra-role Behavior", *Employee Responsibilities and Rights Journal*, 23(2).
40. Jensen, H. (2020). *Optimal Degrees of Transparency in Monetary Policy Making*, Manuscript, University of Copenhagen.
41. King, P. (2018). *Federation and Representation*, In M. Burgess and A.Ganon. *Comparative Federalism and Federation* London, Harvester Wheataheaf.
42. Laski, H. (2019). *Encyclopedia of the Social Science*, Ed., F.R.A Selig Max, Vol. 3, New York.
43. Loomis, J.J., C.M.R. de Oliveira and M. Dziejczic (2021). "Environmental Federalism in EIA Policy, A Comparative Case Study of Paraná, Brazil and California", US, *Environmental Science and Policy*, 122.
44. Souza, C. (2017). "State Modernization and the Building of Bureaucratic Capacity for the Implementation of Federalized Policies", *Brazilian Journal of Public Administration*, 51(1).
45. Weber, M. (2019). *Economy and Society*, (Edited and Translated by Keith Tribe), Harvard University Press.

46. Zhao, C., F. Feng, Y. Chen and X. Li (2021). "Local Government Competition and Regional Innovation Efficiency, From the Perspective of China-style Fiscal Federalism", *Science and Public Policy*, 48 (4).